

زمین مجانی امیر کبیر به تهرانی ها!

۱۶ تیر ۱۳۹۳ ساعت ۱۶:۲۸

تا قبل از تعطیل کردن «ماشین دودی» در سال ۱۳۴۱، یکی از مهم‌ترین تفریحات مردم سفر به حضرت عبدالعظیم(ع) در شهرری بود و با پرداخت اندکی پول، یک خانواده در باغ‌های اطراف حرم بیتوته کرده و «از یک کرشمه دو کار برمی‌آمد»؛ هم فال بود و هم تماشا، هم زیارت فراهم بود و هم سیاحت. برای همین بسیاری از خانواده‌های قدیمی، این مسافرت یک روزه را یکی از بهترین خاطرات خود می‌دانند.

مردمان قلیل‌البضاعه که در شهر قوه خریدن خانه و عمارت ندارند مأذون‌اند که در آنجاها خانه و عمارت بسازند و کسی آنها را ممانعت نکند و بعد از اذن و اجازت اولیای دولت قاهره این روزها قریب ۲۰۰ خانوار خانه و دکانین و عمارت طرح کرده، مشغول ساختن می‌باشند.»

اعلامیه بالا، در دوران صدارت میرزاتقی‌خان امیرکبیر صادر شد تا مردم در زمین‌های جنوب شهر تهران، بدون پرداخت وجه، صاحب زمین شده و در آن برای خود سرپناه بسازند. اشاره به «بیرون شهر، مابین دروازه محمدیه و دروازه شاهزاده عبدالعظیم(ع)» امروز حدفاصل میدان محمدیه (اعدام) تا چهارراه مولوی است و به‌خوبی می‌توان دریافت که «حدجنوبی» شهر تهران آن روزگار، کجا بوده است.

این اعلامیه مربوط به سال ۱۲۶۸ قمری (۱۲۳۰ شمسی) است و این امر مهم در آن روزگار با تدبیر وی از قوه به فعل آمد تا مردم بی‌خانمان، دارای خانه شوند. مساحت اولیه شهر تهران که در دوران آغامحمدخان قاجار - نوروز سال ۱۲۰۰ قمری - حداکثر ۷ کیلومترمربع بود، در سال ۱۲۴۷ شمسی - در بیست و دومین سال پادشاهی ناصرالدین‌شاه - به حدود ۱۲ کیلومترمربع (در داخل خندق) رسیده بود و در این سال، تهران از هر سو هزار ذرع(هر ذرع ۱۰۴ سانتی‌مترمربع) گسترش و ۳۱ کیلومترمربع افزایش یافت و این مهم از ارزش زمین بسیار کاست و قیمت را به حداقل خود رساند و حتی بی‌ارزش کرد.

این ازدیاد در شمال شهر (خیابان انقلاب) ۱۵۰۰ ذرع بود. تهران در این سال در محدوده خندق از غرب به خیابان کارگر (سی‌متری نظامی) جنوب به خیابان شوش، شرق به خیابان هفده شهریور و از شمال به خیابان انقلاب، منتهی می‌شد و آنچه در سال ۱۳۰۶ در دستور کار قرار گرفت، پر کردن خندق‌ها بود و به این طریق با تخریب دروازه‌ها و تسطیح خندق‌ها، محدوده شهر کاملاً از بین

رفت و از چهارسو رو به رشد گذاشت و مردم تا سال‌ها حاضر به خرید اراضی روستاهای واقع در شمال شهر نبودند. پر کردن خندق‌ها ۳ سال به طول انجامید و در سال ۱۳۰۹ پایان یافت.

بعد از آنکه خیابان انقلاب شکل گرفت، اراضی بالادست آن را جلالیه می‌نامیدند و «آب کرج» (بلوار کشاورز) محل تفریح و تفرج مردم- البته خواص- بود و عموماً رغبتی به ساخت و ساز در آن مشاهده نمی‌شد و علت «شنی» بودن زمین در این محدوده بود و نمی‌شد «خشت» از خاک آن ساخت و خانه بنا کرد اما هر چه به سمت جنوب شهر می‌رفت، این کار سهولت و سرعت بیشتری به خودش می‌گرفته هر چند ناگفته نگذاریم که جاذبه‌های جنوب شهر، آن قدر بود که فقیر و غنی در آن سکنی گزینند.



در دوران ناصرالدین شاه، خانه میرزا تقی‌خان امیرکبیر، در حوالی کوچه تکیه دولت فعلی در جوار خیابان ناصرخسرو بود و تا سال‌ها اصحاب قدرت و درباریان و دولتیان، در اطراف کاخ گلستان، خانه داشتند؛ مثلاً خانه میرزا علی‌اصغر خان اتابک (امین‌السلطان) در خیابان لاله‌زار واقع شده بود و امروز این خانه را به نام «خانه اتحادیه» یا همان خانه دایی جان ناپلئون می‌شناسیم و در کوچه پس‌کوچه‌های محلات قدیمی تهران، هنوز هم اسامی و القاب دهان‌پرکن درباریان قاجار، باقی مانده است؛ امین حضور یا رکن‌الدوله، بهاء‌الدوله، مطیع‌الدوله... در محله قدیمی عودلاجان و سنگلج مشتی نمونه خروارند.

میرزا آقاخان نوری، صدراعظم خیانت‌پیشه ناصری، خانه‌ای در کوچه خدابنده‌لو در خیابان ناصرخسرو داشت و باغ معروف نظامیه- جنوب میدان بهارستان تا چهارراه سرچشمه- خانه دیگر او و پسرش میرزا کاظم خان نظام‌الملک بود.

تهران را اگر در آن روزگار، شهر باغ‌ها می‌نامیدند، اسم بامسمایی بود. باغ معروف لاله‌زار، یکی از ده‌ها باغ داخل خندق جدید تهران بود و آن قدر هوای تهران در فصل بهار پاک و منزه بود که دکتر یاکوب ادوارد پولاک، معلم طب و جراحی مدرسه دارالفنون در خاطراتش تأکید می‌کند که در هوای آزاد، اعمال جراحی را انجام می‌دادند.

با تخریب باغ‌ها و خانه‌سازی بدون توقف طی یک‌صدسال گذشته، تنها باغی که در محدوده قدیمی شهر باقی مانده، خانه حاج حسین آقا امین‌الضرب مهدوی- جد خانواده مهدوی- است اما خیلی از باغ‌ها از بین رفت و تسری تخریب باغ‌ها و خانه‌سازی، از محدوده داخل خندق به خارج از آن موجب شد تا باغ‌های بسیار وسیع مابین تهران و شمیران نیز «بنه‌کن» شوند تا محدوده تهران امروز، تا پای سلسله جبال البرز در شمال شهر گسترش یابد.

رشد سرطانی تهران را در دو مقطع انقلاب مشروطیت- ۱۲۸۵ شمسی- و ۱۳۲۰ شاهد هستیم. در دوران انقلاب مشروطیت و فتح تهران توسط قوای بختیاری و دیگر شهرها- قزوین، گیلان و مازندران و...- موجب شد تا مهاجران بسیاری پا به تهران بگذارند و این امر هرگز قطع نشد و با ساخت دانشگاه‌ها و بیمارستان‌های نسبتاً مجهز در دهه آغاز این قرن حاضر و عدم وجود امکانات در تمامی بلاد، تهران دارای جاذبه‌های بسیاری شد که پس از هجوم متفقین به ایران و ایجاد ناامنی در استان‌های آذربایجان و کردستان، هجوم جمعیت، فزونی گرفت و توجه بیش از پیش به تهران پس از کودتای ۲۸مرداد، آنگونه شد که تهران با جمعیتی حدود ۲۱۰ هزار نفر در ابتدای قرن حاضر، در سال ۱۳۵۷، نزدیک به ۶ میلیون نفر را در خود جای داده بود.

آن وقت‌ها که دروازه‌های تهران حدود و ثغور شهر را مشخص می‌کردند، گردشگاه‌های خوش آب و هوا - در اشکال مختلف- با اندکی پیمودن به وسیله درشکه قابل دسترسی بود و به ارزانی و فراوانی، همگان از آن بهره می‌بردند. تا قبل از تعطیل کردن «ماشین دودی» در سال ۱۳۴۱، یکی از مهم‌ترین تفریحات مردم سفر به حضرت عبدالعظیم(ع) در شهرری بود و با پرداخت اندکی پول، یک خانواده در باغ‌های اطراف حرم بیتوته کرده و «از یک کرشمه دو کار برمی‌آمد»؛ هم فال بود و هم تماشا، هم زیارت فراهم بود و هم سیاحت. برای همین بسیاری از خانواده‌های قدیمی، این مسافرت یک روزه را یکی از بهترین خاطرات خود می‌دانند.



زیارت امامزاده‌های اطراف شهر، یکی دیگر از نکات قابل توجه بود. در اراضی جی بیرونک- دو امامزاده معصوم(ع) و حسن(ع)- با مزارع بسیار در اطراف آنها، مکان مناسبی برای «استخوان سبک کردن» و سیاحت بود و در اراضی طرشت در شمال این منطقه، باغ بزرگ اطراف بقعه شیخ عبدالله، محل دیگری برای تفریح و زیارت بود.

زیارت اهل قبور نیز یکی از کارهای واجب بود؛ مهم نبود که آن که سر به تیره تراب گذاشته، خویش و قوم است یا غریبه و ناآشنا. مهم آن بود که مردم با خواندن فاتحه‌ای، طلب بخشش و آمرزش برای خود و متوفی می کردند و بدین گونه بود که «نیستی و ترک دنیا» همواره در ذهن‌ها جاری بود و هر گاه مردم بی تاب و عصبانی می شدند، ناخودآگاه با گفتن «استغفرالله» از عصبانیت خود کاسته و آستانه تحمل خود را بالا می بردند و مثل روزگار ما نبود که گذشت و اغماض گویی حکم کیمیا را یافته اند.

سیده ملک خاتون و امامزاده اهل بن علی(ع) در اراضی بیرون دروازه خراسان، حکم ۲ امامزاده تهران را داشتند و اماکنی بودند برای سیاحت و زیارت، و اندکی آن طرف تر، اراضی مسگرآباد قرار داشت که در دهه‌های ۲۰-۱۳۱۰ تبدیل به آرامستان شده بود و این مکان نیز یکی از اماکن مورد توجه مردم بود.

تفرجگاه «آب کرج» حتی آن زمان که به صورت بلوار درآمد و رفت و آمد خودروها در آن جریان داشت، تا دهه‌های ۴۰-۱۳۳۰ نیز عاری از جمعیت و ساختمان بود و آب جاری در این بلوار، بسیاری از اهالی تهران- به خصوص جوان‌ها و اهل هنر- را به این سمت تهران می کشید و خاطره گشت و گذار در «آب کرج» در خاطرات هنرمندانی همچون مرحوم بیژن ترقی ثبت و ضبط شده است و زلالی آب این نهر، زبانزد خاص و عام بود.

فاصله دور تهران تا شمیران غیر از جاده قدیم، با احداث خیابان ولی عصر(عج) در دهه دوم قرن حاضر، موجب شد تا قدری در این امر تسهیل شده و با ایجاد شبکه اتوبوسرانی در دهه ۳۰، میان تهران تا شمیران، رفت و آمد باب شد اما فقط در فصول گرم سال ایاب و ذهاب صورت می گرفت و در غیر این حالت، چنین نبود.

در همین دهه بود که داشتن اتومبیل شخصی، عمومیت بیشتری پیدا کرد و انواع و اقسام خودروهای اروپایی و آمریکایی، رهسپار ایران شدند. با مونتاژ پیکان در سال ۱۳۴۶، تب استفاده و مالکیت از خودروی سواری، چنان شد که گفته می شد به آرزوی روزی که هر ایرانی یک پیکان داشته باشد. از سوی دیگر مسابقه تولید خانه- توسط بساز بفروش‌ها- چنان اوج گرفت که در کمتر از ۳ دهه، تمامی باغ‌های تهران از جنوبی ترین نقطه تا کوهپایه‌های البرز در شمال تهران، ریشه کن شدند و تفریح مردم تهران، در داخل تهران، رفتن به سینما و پارک‌ها شد.

کلیدی ترین نکته در مورد گسترش شهر تهران را در کنار عوامل یادشده، باید در بسط و توسعه «آب لوله کشی» دانست که از سال ۱۳۳۴ شروع شد و تهران آن روزگار که حدود ۵۰ تا ۶۰ کیلومترمربع وسعت داشت، از آب چندین قنات مشروب می شد. با

سدسازی روی رودخانه کرج، ذخیره آب کافی برای تمامی فصول، فراهم آمد و به دنبال آن سدهای لار و لتیان موجب آبادانی شمال شهر تهران شدند و امروز سدهای طالقان و ماملو، این کار را کامل کرده‌اند.

امروز تهران در سطح، بیش از ۸۰۰ کیلومتر مربع است و از غرب به هشتگرد و از شرق به ورامین و از جنوب به شهرری و از شرق به اراضی منتهی به رودهن و بومهن رسیده است و بدین ترتیب به‌رغم داشتن حدود و ثغور، روی نقشه، فاقد هر حد و حدودی است.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۲۷۴۹۱/تهرانی-کبیر-امیر-مجان-زمین/>